

مهدویت مسئله مشترک دنیای اسلام است / امام زمان(عج) از منظر سهروردی

حجت الاسلام احمد عابدی گفت: ابن ابی الحدید در قصیده ششم خودش در مورد امام زمان(عج) می گوید امیدوارم، در آن روز، از خاندان ابی الحدید نیز در میان لشکر مهدی، شمشیر زنان به هم رسند.



حجت الاسلام احمد عابدی گفت: ابن ابی الحدید در قصیده ششم خودش در مورد امام زمان(عج) می گوید امیدوارم، در آن روز، از خاندان ابی الحدید نیز در میان لشکر مهدی، شمشیر زنان به هم رسند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: نیمه شعبان و ولادت حضرت بقیه الله الاعظم فرصت دوباره ای برای تجدید پیمان با امام عصر(عج) است. این عرض ارادت در قالب جشن های مختلفی در سراسر ایران و جهان انجام می شود. اگرچه این امر توسط برخی بدعت شمرده می شود اما دلایل و شواهد فراوان تاریخی مبنی بر لزوم چنین مراسمی و بزرگداشت اعیاد شیعیان وجود دارد.

در گفتگو با حجت الاسلام احمد عابدی با سوالاتی در این مورد و همچنین مباحثی مانند نگاه اهل سنت به امام زمان(عج)، تاثیر موضوع مهدویت بر زندگی انسان، امام زمان در آیینه آیات قران و... به گفتگو نشستیم. متن زیر مشروح گفتگوی ما با این کارشناس دینی است.

*برخی مراسم جشن و اعیادی که برای اهل بیت برگزار می شود را نوعی بدعت می دانند، این امر در ادبیات وهابیت بیشتر به چشم می خورد، در پاسخ چه می توان گفت؟ آیا نمونه های تاریخی در تایید این موضوع می توان یافت؟

وقتی که پیامبر در جنگ بدر به طرف مدینه آمدند و دربارۀ احد و تبوک هم نقل شده- صحابه رسول خدا این شعر را خواندند: «طلعت البدر علینا من ثنیاث الوداع/ وحب الشکر علینا ما دعی لله داع» و بخاطر سالم وارد شدن پیامبر به مدینه شادی می کردند و کف می زدند

به مراسم های جشن احتفال یا محفل می گویند. کتاب های بسیار زیادی در مورد احتفال یا عید گرفتن و جشن گرفتن میلاد معصومین نوشته شده است. وهابی ها به شدت با این جور مجالس مخالفند و می گویند این کارها بدعت است و نباید انجام بشود. این در حالی است که اولین کسانی که در مدح پیامبر و اهل بیت شعر گفتند و کسانی که جشن گرفتند و احتفال برگزار کردند اهل تسنن بودند. شاید شنیده باشید، زیباترین و بهترین چیزی که در میلاد رسول خدا ذکر شده، برده بوضیری است که یکی از علمای اهل سنت بود و مادرزادی فلج بود. در شب میلاد رسول خدا قصیده ۱۶۰ بیتی گفت. شب رسول خدا را خواب دید که پیامبر عباى خود را به او داد. شهید مطهری می فرماید زیباترین شاهکار ادبی دنیا برده بوضیری است از بس این شعر زیباست. این جور احتفال ها را در آن زمان در مصر که همه اهل سنت بودند در میلاد رسول خدا برگزار می کردند.

وقتی که پیامبر در جنگ بدر به طرف مدینه آمدند و دربارۀ احد و تبوک هم نقل شده- صحابه رسول خدا این شعر را خواندند: «طلعت البدر علینا من ثنیاث الوداع/ وحب الشکر علینا ما دعی لله داع» و بخاطر سالم وارد شدن پیامبر به مدینه شادی می کردند و کف می زدند.

*با توجه به اعتقاد ما مبنی بر اینکه در نهایت زمین را عباد صالح خدا به ارث می برند، جریان تاریخ تا ظهور امام زمان و پس از آن چگونه قابل ترسیم است و این روند چگونه طی خواهد شد؟

ابتدا خوب است عرض کنم مهدویت و مسئله امام زمان به معنای نگرش مسلمانان به آینده دنیاست. یعنی وقتی ما می گوئیم به حضرت مهدی اعتقاد داریم به این معنی است که با هر رنج و مشقتی که الان در دنیاست اعتقاد ما این است که آینده دنیا، آینده خوبی است. جهان اگرچه در ظاهر به سمت کجی و خلاف پیش می رود ولی به هر حال آینده جهان خوب است.

روایاتی داریم که به آن علائم آخرالزمان یا روایات مناهل می گویند. این روایات در کتب شیعه و سنی متفاوت است. اهل سنت معتقدند آخر الزمان، زمان خوبی است. شیعه ها روایاتی در مورد آخرالزمان دارند که این زمان، خوب نیست. اهل سنت به دجال به خوبی می نگرند اما شیعه آن را به عنوان مظهر خلاف بیان می کند. اهل سنت معمولاً عیسای

مسیح را دجال می نامد. در پاکستان و کشمیر دینی هست که شبیه بهایی ها هستند و گاهی به آنها احمدیه یا پیروان غلام احمدخان می گویند. پیروان این فرقه وقتی در مورد غلام احمدخان که او را پیغمبر هم می دانند، کتاب می نویسند او را دجال کشمیر می نامند. به این معنی است که آنها دجال را خوب می دانند. در تفکر آنها دجال یا آخر الزمان خوب است. ما دجال را به عنوان مظهر ردائل و زشتی ها معرفی می کنیم.

آنچه که مهم است این است که این دنیا یک عاقبت و سرانجامی دارد که سرانجام خوبی است. از زمان حضرت آدم تا الان جنگ وجود داشته است. اینهمه جنگ و خونریزی به این منظور بوده که عدالتی برقرار بشود که تا اکنون برقرار نشده است.

بعضی روایات وجود دارد که وقتی امام زمان ظهور می کند هفت سال بعد به شهادت می رسد. شهید مطهری در بعضی از کتب خود دارد که نمی توان انتظار داشت مردم هزاران سال جنگ و خونریزی داشته باشند برای هفت سال برقراری عدالت. این هفت سالی که در روایات گفته می شود از این بابت است که این مدت امامت حضرت، آنقدر به مردم خوش گذشته است که اصطلاحاً به سرعت سپری شده است.

در مفاتیح دعایی در مورد اعمال روز جمعه وجود دارد که می گوید «سلام بر مهدی و سلام بر اولاد او»؛ و یا «سلام بر مهدی و سلام بر ۱۲ مهدی پس از مهدی»؛ بعضی می گویند این مسئله یعنی امامان دیگر دوباره بر می گردند که این همان رجعت یا «و یَکْرُ فِي رَجَعَتِكُمْ»؛ است. «اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادَكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِی»؛ لذا بعد از امام زمان امامان دیگر یا همین امامان به دنیا باز می گردند که به این رجعت می گویند.

از این جور بحث ها خیلی زیاد است. مقصود من از ذکر اینها این بود که ما یک زمان به دنیا نگاه می کنیم که عاقبت دنیا چیست؟ می گوئیم عاقبت دنیا این است که یک روزی عدالت برقرار خواهد شد و امام زمان خواهد آمد. امام زمان وقتی ظهور کند گناه اجتماعی برطرف می شود اما گناهان فردی وجود دارد. فردی که امام زمان را به شهادت می رساند گناهان دیگر هم می تواند انجام دهد. فرق الان با آن زمان این است که الان حکم خدا اجرا نمی شود ولی وقتی امام زمان ظهور کند در آن زمان هم گناه هست اما حکم خدا اجرا می شود.

اما اینکه تفاوت این رجعت با موضوع تناسخ چه می شود و یا آیا بعد از ظهور و رجعت قیامت رخ می دهد، یا نه؟ باید سر جای خود به آن پرداخته شود. بحث من این است که عاقبت دنیا به خوبی است اما عاقبت افراد و من و شما به چه می انجامد؟ اینکه ما الان کجا هستیم مهم نیست، عاقبت ما چه می شود؟ چقدر در تاریخ زیاد داریم فردی را که در یک لحظه جور دیگری شد. حر ابن یزید ریاحی صبح عاشورا که از خواب بیدار شد کافر بود چون در حال جنگ با امام حسین(ع) بود. اما ظهر شهید شد و در بهشت بالاترین مقام را دارد. بعضی ها هم عاقبت به شر می شوند مثلاً برصیصای عابد که داستانش در قرآن و هم در تورات و انجیل وجود دارد. لذا هیچ معلوم نیست که عاقبت انسان چه می شود. داستان ابلیس، برصیصای عابد، بلعم باعورا و... داستان عاقبت به شری است.

*به نظر شما موضوع مهدویت در دنیای امروز ما چه تاثیری می تواند داشته باشد؟ آیا اعتقاد به مهدویت می تواند بر نوع زندگی افراد مختلف اثرگذار باشد؟

اگر بحث این است که اعتقاد به مهدویت چه تاثیری بر دنیای امروز خواهد داشت باید گفت این بحث ناظر به آینده است. بودا می گوید حداقل برای هر انسان لازم است که برای صد سال پیش رو برنامه ریزی کرده باشد. باور به مهدویت به این معنی است که ما برای آینده برنامه ریزی کنیم. آیت الله مکارم می فرمود من اگر الان بخوام بمیرم، آماده ام، اگر هزار سال دیگر زنده باشم برنامه ریزی کرده ام که چه کارهایی باید انجام دهم.

مهدویت به انسان می گوید که برای آینده چطور برنامه ریزی کند در عین حالی که انسان «طول امل»؛ یعنی آرزوی دست نیافتنی و بزرگ نداشته باشد

مهدویت به انسان می گوید که برای آینده چطور برنامه ریزی کند در عین حالی که انسان «طول امل»؛ یعنی آرزوی دست نیافتنی و بزرگ نداشته باشد.

اما اگر بحث این است تاثیر امام زمان بر زندگی امروز ما چیست؟ یک تاثیر تکوینی وجود دارد و آن این است که انسانی که ولی خداست همینکه روی زمین باشد بر کل بشریت تاثیر می گذارد و از آن بهره مند می شوند.

*نگاه اهل سنت به مسئله مهدویت و ظهور امام زمان(عج) چگونه است؟ آیا از علمای اهل سنت در این مورد می توان به نکاتی اشاره کرد؟

ابن ابی الحدید یک عالم بزرگ اهل سنت است. هفت شعر دارد که به آن قصائد سبعه علویات می گویند که بسیار زیباست. در نجف دور ضریح امیرالمومنین و دور حرم همین شعرهای ابن ابی الحدید نوشته شده است. او در قصیده ششم خود در مورد امام زمان(عج) این جمله را دارد که می گوید: «امیدوارم، در آن روز، از خاندان ابی الحدید نیز در میان لشکر مهدی، شمشیر زنان و نیزه گزارانی چند به هم رسند.»

ابن ابی الحدید در قصیده ششم خود در مورد امام زمان(عج) این جمله را دارد که می گوید: «امیدوارم، در آن روز، از خاندان ابی الحدید نیز در میان لشکر مهدی، شمشیر زنان و نیزه گزارانی چند به هم رسند.»

مطلب بعدی اینکه، وقتی می گویند «آماده کردن زمینه برای ظهور حضرت مهدی(عج)» این تعبیر در هیچ کتاب شیعی وجود ندارد. هر کتاب شیعی هم که این جمله را گفته باشد تنها مدرک آن کتاب سنن ابن ماجه بوده که یکی از صحاح سته اهل سنت است. در این کتاب حدیثی از پیامبر نقل شده است که رسول خدا می فرماید یک افرادی در آخر الزمان می آیند «بینعون للمهدی حکومت» که به معنی زمینه سازی حکومت حضرت است که این عبارت فقط مختص کتاب های اهل سنت است و از آنجا هم در کتاب های شیعه آمده است.

اینکه شما می شنوید چه کارهایی را برای زمینه سازی ظهور امام زمان انجام دهیم اینها همه از کتاب سنن ابن ماجه گرفته شده است. در واقع مسئله مهدویت یک مسئله مشترک همه دنیای اسلام است.

*در قرآن کریم هم در تفسیر بسیاری از آیات به موضوع ظهور حضرت بقیه الله اشاره شده است، لطفاً به برخی از آنها اشاره ای داشته باشید.

آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» در مورد امام زمان تفسیر شده است. قرآن خودش را به عنوان ذکر معرفی کرده «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» و این آیه شریفه قبلی تورات را هم با کلمه ذکر معرفی کرده است. البته توراتی که الان وجود دارد ۴۹ کتاب است که یکی از آن زبور داود است. این آیه شریفه می فرماید ما هم در تورات و هم در زبور این مطلب را ذکر کردیم. تورات در زمان پیامبر هم در دست یهودیان بوده است. در توراتی که الان در دست صهیونیست هاست چیزی در مورد امام زمان نیست.

علامه مجلسی در بحارالانوار اصل زبور را نقل کرده و آن زبور هیچ چیزی خلاف تعالیم اسلام نیست. مترادف و ترجمه آیه ای که ذکر شد در این زبور داود که در بحار نقل شده وجود دارد.

تعبیر دیگری که قرآن درباره امام زمان دارد استخلاف فی الارض است. شهاب الدین سهروردی از علمای بزرگ اهل سنت می گوید یک کشور مثل یک انسان می ماند. یک انسان را خدا به این گونه آفریده که قوه عاقله و غضب و شهوت دارد. کشور هم باید اینگونه باشد که شهوت کشور، بازار است. غضب آن نیروهای نظامی و انتظامی است و عقل هم می شود هیئت حاکمه کشور. سهروردی این را بیان می کند که چه کسی باید در راس حکومت باشد؟ می گوید اگر شاهان بخواهند حکومت کنند، استبداد پیش می آید. حکومت جمهوری هم خیلی خوب نیست، عیب آن این است که امنیت زیادی برقرار نمی شود و مردم مطیع نخواهند بود. سهروردی می گوید بهترین حکومت حکومت اشراف است. ما در فارسی اشراف را طبقه مرفه معنی می کنیم در حالی که اشراف سهروردی به معنی هرمس است که هرمس در زبان یونانی یعنی حضرت ادریس(ع). بعد از ادریس حضرت لقمان و حضرت داود و حضرت سلیمان هرمس اند. سهروردی می گوید هرمس یعنی کسانی که عالم ترین عادل ترین و خیرخواه ترین مردم اند. می گوید حکومت را باید به دست اینها داد.

سهروردی می گوید اگر هرمس وجود نداشت حکومت را باید در دست چه کسی داد؟ خودش فوری پراتتزی باز می کند و می گوید نمی شود که او نباشد. منظور ما از «اگر او نبود» این است که اگر او غائب باشد. یعنی زمین امکان ندارد از حجت خدا خالی باشد. در نهج البلاغه داریم «إِمَامًا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَ إِمَامًا خَائِفًا مَعْمُورًا» که عین تعبیری است که سهروردی می کند. می گوید اگر هرمس غایب بود هشت گروه می توانند حکومت کنند. سهروردی می گوید متاله بحث باید حکومت را بر عهده بگیرد. متاله یعنی کسی که در الهیات فرو رفته و یکپارچه خدایی است و صبغه الهی است. بحث هم یعنی از لحاظ علمی هم از همه بالاتر است. یعنی هم معنویت و هم علم او از همه بالاتر

باشد.

جنگ و خونریزی که نقل شده برای قبل از ظهور است. وقتی امام زمان ظهور می کند به سیره جدش عمل می کند. پیامبر خدا در کل جنگ هایی که داشته است توسط مسلمانان ها کمتر از هزار نفر کشته شده اند. وقتی امام زمان ظهور می کند بسیاری از مردم که حضرت را ببینند ایمان می آورند.

مسئله مهدویت به این معنی است که ما انتظار می کشیم یک روزی کسی از فرزندان رسول خدا بیاید که از همه عالم تر و آگاه تر و خیرخواه تر و به دور از خطا و اشتباه است و خیر همه را می خواهد. جنگ و خونریزی که نقل شده برای قبل از ظهور است. وقتی امام زمان ظهور می کند به سیره جدش عمل می کند. پیامبر خدا در کل جنگ هایی که داشته است توسط مسلمانان ها کمتر از هزار نفر کشته شده اند. وقتی امام زمان ظهور می کند بسیاری از مردم که حضرت را ببینند ایمان می آورند.

قرآن می فرماید: «فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ از این آیه استفاده می شود که یهودی ها و مسیحی ها روز ظهور امام زمان هستند و اختلافات خود را با هم دارند تا روز قیامت. معنی آیه این است که وقتی امام زمان ظهور می کند یهودی ها را ریشه کن نمی کند و یا مسیحی ها یا بی دین ها را از بین نمی برد. ادیان دیگر هم در روز ظهور امام زمان هستند اما امام زمان (عج) زندگی مسالمت آمیز را بین مردم فراهم می کند که همه مردم زیر پرچم اسلام زندگی کنند و کسی متعرض کسی نشود.

امنیت برای مردم حرف اول را می زند. قرآن می فرماید: «وَلْيَبْدِلْ لَهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ نیاز انسان به امنیت بیشتر از نیاز انسان به آب و غذاست. امام زمان می آید که امنیت ایجاد کند. امنیت و آرامش فردی و اجتماعی را حضرت برای همه فراهم می کند و این یعنی حکومت امن.

*در بحث مهدویت برای تبلیغ و آشنایی مردم و یا دیگر ادیان و یا فرقه ها با حضرت حجت به نظر شما ذکر چه مواردی ضرورت دارد و از ذکر چه مباحثی باید پرهیز کرد؟

چیزهایی وجود دارد که اصلا ضرورتی ندارد در مورد آن مطالعه کنیم و یا به مردم چیزی بگوییم. یکی مثلا در مورد راه های ملاقات با امام زمان است. بحث نکردن در مورد این نوع چیزها بهتر است. بعضی چیزها هم جز اسرار تشیع است و نباید گفته شود. بحث های زیادی هم هست که خوب است مطرح شود.

مثلا ارتباط معنوی با امام زمان و توسل به آن حضرت و دعا برای فرج امثال این موارد در جمع شیعی مناسب است.

اما وقتی در جایی که غیرمسلمان وجود دارد و یا اهل تسنن هستند هیچ ضرورتی ندارد که از این جور بحث ها شود. عقیده ما شیعیان این است که یک روز امام زمان ظهور می کند. اینکه امام زمان الان زنده اند و در پس غیبت است جز مباحثی است که مخصوص درون مذهب شیعه است. وقتی غیر شیعیان هستند باید اینگونه استدلال کنیم و بگوییم زمین خالی از حجت خدا نیست. ادله عامه نبوت عامه را ذکر کنیم. «لو لالوجه لساخط الارض باهلها»؛ اگر حجت خدا نباشد، زمین اهلش را در خود فرو می برد.

هیچ چیز بهتر از روش علامه امینی در الغدیر یا روش کلینی و صدوق نیست. کلینی که در زمان غیبت صفرای امام زمان است در کتاب کافی ۱۶ هزار نقل کرد ولی یک حدیث از امام زمان نقل نکرد. صدوق ۲۵ سال از غیبت صفرای امام زمان را درک کرده است اما حتی یکی از احادیث حضرت را در کتاب من لایحضر نیاورده است. شیخ طوسی هم در کتاب تهذیب و استبصار همینطور. اینها عنایت و تعمدی در این کار داشتند. شیخ طوسی کتاب غیبت در مورد امام زمان نوشته است ولی در کتب اربعه مباحث مربوط به امام زمان را نیاورده است.

علامه امینی بحث می کند که در کتب اربعه که اصلی ترین منابع شیعه است احادیث امام زمان در آن ذکر نشده است. علت همین است که عرض کردم. آنچه اسرار امامت و تشیع است ضرورتی ندارد در آنجا که غیر شیعی وجود دارد مطرح کنیم.

باید ببینیم خود ائمه اینگونه مباحث را چگونه مطرح می کردند. چقدر در روایات داریم که کسی از حضرات معصومین مثلا امام صادق و امام باقر و... سوال می کرد که مهدی شما هستید یا نه؟ این نشان می دهد که خود شیعیان این مسائل را نمی دانستند. لذا این مسائل اسرار تشیع است. در روایت داریم که علت طول کشیدن غیبت این است که شما

اسرار امامت را کتمان نکردید.